

### متن پرسش

سلام استاد. خسته نباشید: استاد بنده دانش پژوه رشته کلام در حوزه هستم و من در مورد بحث سرنوشت و قضا و قدر زیاد مطالعه کرده ام. من جمله کتاب انسان و سرنوشت و عدل الهی شهید مطهری و نیز مباحث تفسیر المیزان که مربوط به بحث سرنوشت و قضا و قدر است و نیز چند کتاب اعتقادی دیگر. ولی هنوز یک مساله مهم برایم حل نشده است. اینجوری که من فهمیدم نهایت حرف علامه و شهید مطهری در بحث قضا و قدر و سرنوشت این است که نظام علت و معلولی عالم تجلی قضا و قدر الهی است و هر چیزی که در چارچوب این نظام محقق بشود مورد قضا و قدر الهی قرار گرفته است و از جمله این قضا و قدرها وجود انسان مختار است و لذا هر چه که به واسطه اختیار و اراده انسان حادث می شود نیز داخل در قضا و قدر الهی است. در اینجا دو سوال و ابهام مطرح می شود: ۱. بر اساس این تحلیل این نتیجه حاصل می شود که سرنوشت هر انسانی، برآیند فعل و انفعالات حاصل از نظام علت و معلولی عالم است. یعنی نتیجه حاصل از اعمال خود من و شرایط محیط و اعمال دیگر انسانها، همان تقدیر من می شود. چون نظام علت و معلولی نظام ثابتی است و هر علتی هم لاجرم معلول خاص خودش را دارد و لذا برآیند همه این معالیل- مثلا ناظر به من- می شود سرنوشت من. ولی استاد این تحلیل با معارف دینی که بیان می دارد که تک تک انسانها تحت ربوبیت الهی هستند و او آنها را با توجه به اعمال و رفتار و نیاتشان تدبیر می کند منافات دارد. مثلا وقتی خداوند اراده می کند که بنده ای دچار سنت استدراج شود و لذا مثلا باید ثروتمند یا دارای عمر طولانی بشود، این برنامه خداوند چگونه با توجه به تاثیرات دیگر علت های موجود در عالم بر روی این فرد- که تاثیر گذاریشان حتمی است- قابل جمع است؟ آیا خداوند نظام علت و معلولی را به هم می زند یا در آن دست می برد؟ ۲. از طرف دیگر اگر بخواهیم کاملا به این حقیقت که تک تک انسانها تحت ربوبیت و مدیریت الهی هستند پایبند باشیم شبهه جبر پیش می آید. مثلا وقتی قائل باشیم که مرگ و زندگی یا رزق یا صحت و سلامتی هر انسانی به طور مشخص توسط خداوند- و با توجه به حالات و رفتار خود فرد- برنامه ریزی می شود، نقش اراده های دیگر انسانها و تاثیر آنها بر وضعیت دیگران چه می شود؟ مثلا وقتی کسی کشته می شود، بر اساس مبانی دینی باید گفت که خداوند این قدر عمر را برای او مقدر کرده است پس در اینجا نقش قاتل او چه می شود؟ یا مثلا آیت الله جوادی آملی در دیدار با ظریف فرمودند که اگر دور ایران را سیم خاردار هم بکشند رزق ما مشکلی پیدا نمی کند چون رزق ما دست خداست. خب بر اساس این تحلیل پس مثلا در مورد مردم یمن باید گفت که چه عربستان به یمن حمله می کرد و چه نمی کرد مردم یمن دچار این قحطی و فلاکت می شدند؟ ولی

این تحیل با وجدان هر انسانی ناسازگار است. اگر هم این حرف را نپذیریم ربوبیت الهی مخدوش می‌شود یعنی خداوند در تدبیرش منفعلانه عمل می‌کند و انسانهای دیگر می‌توانند تدبیر خداوند را در مورد بنده دیگری تحت الشعاع قرار دهند. خلاصه کلام اینکه که تحویل قضا و قدر الهی به نظام علت و معلولی با ربوبیت تام الهی نسبت به هر انسانی ناسازگار است و از آن طرف ربوبیت تام الهی نسبت به هر انسانی هم با اختیار دیگر انسانها ناسازگار است. استاد اگر در اینجا مجال پاسخگویی نیست لطفا حتما کتاب، مقاله، صوت یا هر چیز دیگری معرفی نمایید تا این سوال که مدت بسیار زیادی است ذهنم را درگیر کرده برایم حل شود. ان شاء الله. ممنون

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. در نظام علی و معلولی انسان می‌تواند خود را تعریف کند که مطابق آن نظام چه علتی را برگزیند تا به معلول خاص آن علت دست یابد و لذا مانع کمالات انسان نیست. ۲. آری همه چیز در بستر ربوبیت الهی جلو می‌رود ولی همان ربوبیت راهی برای به دست آوردن رزق فراهم کرده و این که اگر کسی رزق کسی را از او ربود، برود و رزق خود را از او بازستاند به همان دلیل که می‌دانیم رزق ما از قبل تعیین شده. پس معلوم است که اگر در اختیار ما نیست باید ببینیم چه کسی آن را ربوده است. ۳. با این همه بالاخره کوتاهی‌های ما در کسب رزق مقسوم آن رزق را از ما نمی‌گیرد ولی در به دست آوردن آن به سختی دچار می‌شویم و موضوع قحطی‌ها را باید در این رابطه تحلیل کرد. ۴. پیشنهاد می‌شود جزو «جبر و اختیار» که روی سایت هست را مطالعه فرمایید. در ضمن سری به جواب سوال ۲۹۸۴۱ بزنید. موفق باشید